

## فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۵، ش ۳ (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۴۰۳

صص: ۲۸-۱۱

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۸۷

### بررسی کنش‌های گفتاری در جزیره سرگردانی با رویکرد به نظریه سرل مریم الیاسی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دکتر عبدالحسین فرزاد (نویسنده‌ی مسئول)

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

دکتر ساره زیرک

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

کنش گفتاری یکی از مبانی ایجاد ارتباط کلامی در آثار ادبی است. نظریه «کنش گفتاری» یکی از مباحث مهم تحلیل گفتمان در حوزه زبان‌شناسی به شمار می‌رود که در ابتدا توسط «آستین» مطرح شد و سپس «سرل» طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای را برای آن ارائه داد. بر مبنای این نظریه، مبادله‌ی اطلاعات در قالب ساختار و کنش‌های گفتار صورت می‌پذیرد که با تمرکز بر آن‌ها در یک متن، می‌توان وضعیت و موقعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر را تحلیل کرد و لایه‌های پنهان شخصیت‌های آن را بهتر شناخت. جزیره سرگردانی اثر سیمین دانشور کنش‌های گفتاری قابل ملاحظه‌ای دارد که با توجه به جنسیت اشخاص متفاوت است. در مقاله‌ی حاضر تلاش شده است تا بر مبنای نظریه کنش‌های گفتاری سرل، گفتارها استخراج، طبقه‌بندی و سپس به تبیین و تحلیل گفتار زنان و مردان موجود در این رمان پرداخته شود. در این میان ارتباط کنش‌های گفتاری با وضعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر نیز سنجیده شده است. نتایج به دست آمده از این بررسی نشان می‌دهد که میان زنان و مردان در جامعه‌ی معرفی شده در جزیره سرگردانی نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد که موجب ایجاد نارضایتی و یا سرخوردگی در شخصیت‌های زن داستان شده است و این امر همواره نقش زنان در جامعه را نقشی انفعالی و کم‌رنگ معرفی می‌کند. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد جامعه از داشتن زنانی روشنفکر و باسواد محروم است. بنابراین کنش‌گفتاری شخصیت‌های داستان با هدف و مقصود گوینده‌ی آن‌ها متناسب و همگون است.

**واژگان کلیدی:** کنش گفتار، سرل، تمایز جنسیتی، طبقه اجتماعی

Email: elyasi133@gmail.com

abdolhosein.farzad@gmail.com

sara.zirak@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

## ۱- مقدمه

در بررسی دیدگاه‌ها و نقدها بر آثار ادبی، رویکردهای متنوعی وجود دارد که با رشته‌های دیگر مانند جامعه‌شناسی، تاریخ، زبان‌شناسی، روانشناسی و... آمیخته است. امروزه این موضوع حتی به بخش‌های میان فرهنگی نیز راه پیدا کرده است. قراردادهای اجتماعی زبان نقش بسیار مهمی را در آثار ادبی ایفا می‌کند. زبان در قالب خود برای برقراری ارتباط ابزار مناسبی به شمار می‌آید و می‌تواند ارائه دهنده محصولی باشد که برخاسته از روابط اجتماعی است. زبان به بشر اجازه می‌دهد تا با بازگو کردن گفتار، شیوه‌های رفتاری را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند. در تکمیل این نگرش گران پایه معتقد است که زبان به عنوان یک محصول فرهنگی و اجتماعی با زندگی انسان در هم آمیخته است (گرانپایه ۱۳۷۷: ۱۱۰). همین امر نشانگر نقش و اهمیت زبان در مسائل اجتماعی است. نخستین ارتباطات با جوامع قدیمی و کهن از طریق دستیابی به متونی رخ داده که متعلق به همان ادوار است، امکان بازیابی روابط موجود در جوامع تاریخی از میان این متون برای محققان وجود دارد به دلیل وسعت و تعداد لایه‌های معنایی در هم تنیده در ادبیات زیبایی‌شناسی توسط خالق اثر گاه تاریخ باشکوه و گسترده ایران کهن در گذرگاه زیبایی‌شناسی کلام آفرینشگر فشرده و در قالب یک متن ادبی به منظور پل میان صورت و مفاهیم ارائه می‌شود (قبادی: ۱۳۸۸: ۶۱-۶۲). در متون ادبی و تاریخی گفتارهای هدفمندی دیده می‌شود که این گفتارهای موجود در متن این آثار، مجموعه‌ای بی‌جان از کلمات نیست، بلکه بیانگر رفتارها و روابط اجتماعی است.

### شخصیت هستی در رمان جزیره سرگردانی

هستی دختر نسلی است که بین دو شیوه فرهنگی، دو طبقه اجتماعی و دو نوع طرز فکر متفاوت سرگردان مانده است. او دختری مستقل، با اراده، دارای حق انتخاب و با مشخصات امروزی است. وی تسلیم ناپذیر است و با وجود اینکه نابسامانی‌ها و مشکلات زیادی برایش پیش می‌آید همچنان اعتقادات خود را دارد. او اگرچه در انتهای رمان به عشقش می‌رسد و با او ازدواج می‌کند و بیشتر در خانه است اما همچنان زنی با مشخصات غیر سنتی را نشان می‌دهد. اما باید در نظر داشت که زنان در جوامع مردسالار از هویت مستقل محروم‌اند. حتی هستی علاوه بر غیر سنتی بودنش صدا و موجودیت مستقلی از خود ندارد و در بین آرا و افکار عرضه شده در پیرامونش دچار شک و سردرگمی عظیمی است. حتی عشرت که خود را در تضاد کامل با زندگی زناشویی سنتی می‌داند هویتش در تمام مواقع در وابستگی به دیگران تعیین می‌شود. شوهرش او را خانمی می‌نامد و بچه‌هایش مامان عشی و دیگران هم او را خانم گنجور می‌دانند. گویا معشوقه است یا مادر یا همسر (بهین و باقری، ۱۳۹۱:

(۳۵).

دانشور درک عمیقی از شرایط زندگی شخصی و اجتماعی زنان دارد و نظام مردسالار را در نوشته‌ها و گفته‌هایش به محروم کردن زنان از حقوق طبیعی‌شان متهم می‌کند. هستی قهرمان رمان جزیره سرگردانی، حقوق از دست رفته طبیعی را به تصویر میمون‌های کور و کر و لال تشبیه می‌کند. «هستی به تلخی گفت میمون‌ها رازگو کورشو لال شو سلیم پرسید چگونه است آن حکایت یک روز استاد مانی استاد هستی بود تصویر میمون‌های سه گانه را روی پرده سینمایی کلاس نشان داد یک اثر معروف و هنری هندی است، مجسمه می‌باشد یکی از میمون‌ها دست روی چشمش گذاشته یکی دست روی گوشش و آخری دست روی دهانش این بسته حال زن است در دنیای ما» (دانشور، ۱۳۷۲: ۲۵).

زنان سنتی و نوگرا در این داستان موجوداتی تنها به تصویر کشیده شده اند که حتی با وجود افراد متعدد در اطرافشان احساس تنهایی می‌کنند. هستی در مراسم تشییع جنازه خانم فرخی مادر سلیم شرکت می‌کند و با دیدن گل‌های روی تابوت او با خود می‌اندیشد «گل‌ها آنقدر تنها و معصوم می‌نمودند که هستی به یاد تنهایی خانم فرخی اشک به چشم می‌آورد. این زن چقدر تنها بود و همه زن‌ها چقدر تنه‌ایند» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

دانشور به چیزی به نام «شکستن سد جنسیت» که فمینیسم غربی منادی آن شده است و مامان عشی در دام آن افتاده است اعتراض دارد و از زبان قهرمان داستانش یعنی هستی، چنین می‌گوید: «شکستن سد جنسیت! نه برای کسی که متعهد است. این ولنگاری‌ها به ما نمی‌برازد در شکستن سد بایستی متوجه بود که آب خانه دهقانی را خراب نکند» (دانشور، ۱۳۷۲: ۳۰ به نقل از حسنعلی و سالاری، ۱۳۸۶: ۹).

احترام به آزادی‌های بنیادی زن که درون مایه جهان بینی دانشور را تشکیل می‌دهد، تلاش برای برابری زبانه ترازوی زنانگی- مردانگی و برقراری تعادل است. این اعتقاد دانشور در ساریان سرگردان با تمثیلی که لعل بانو برای هستی می‌آورد هماهنگ است (حسن علی و سالاری، ۱۳۸۶: ۱۰). «مگر من و تو به نوعی در قفس نیستیم؟ زن و مرد می‌باید مثل دو لبه یک نخود با هم مساوی باشند و به صورت یک نخود به هم پیوسته بشوند.» این گفته یادآور نظریات فمینیست‌های لیبرال است که معتقد به برابری حقوق زن و مرد هستند. «بر مبنای این تفکر زن موجودی انسانی است و همان حقوق طبیعی و سلب نشدنی مردان را دارد. جنس زن به حقوق ربطی ندارد در قوای زنان نقضی نیست و بنابراین حق دارند از حقوق کامل انسانی برخوردار باشند. هدف فمینیسم لیبرال از دیرباز احقاق حقوقی برای زنان بوده است. آنها علیه قوانین و سنت‌هایی مبارزه کردند که حق را به مردان می‌دهند و نه به زنان» (آبوت و والاس، ۱۳۸۷: ۲۸۷).

هستی در انتهای جلد دوم جزیره سرگردانی یعنی ساریان سرگردان همان زن سرگشته ابتدای داستان نیست و رفتارش تا حدی از تناقض و حیرت‌رهایی می‌یابد. اما بعد از نجات نمادینش از جزیره به نام سرگردان روی سعادت و یقین را می‌بیند، به ویژه زمانی که میلوملک پرنده خیالی که همان نفس مطمئنه است بر او ظاهر می‌شود و با او راجع به مسائل سیاسی و اتفاقات آینده کشورش صحبت می‌کند و به هستی در تصمیم‌گیری‌های درونی‌اش یاری می‌رساند (بهین و باقری، ۱۳۹۱: ۳۷).

زنان طبقات سنتی و فرودست در داستان‌های دانشور به شغل‌هایی نظیر کلفتی، رخت‌شویی، اتوکشی در خانه بزرگان و خارجی‌ها اشتغال دارند؛ مشاغلی که هیچگونه تأمین جانی و مالی برای آنان ندارد برخی از زنان فرودست دانشور به مشاغل کاذب نیز روی می‌آورند.

### بیان مساله

کنش‌گفتاری به عنوان یک پدیده زبانی از نظریات بسیار مهم و تأثیرگذار در نقد روابط اجتماعی و زبان‌شناسی محسوب می‌شود. به طوری که بررسی گفتارهای یک متن ادبی می‌تواند پرده از روابط اجتماعی موجود در فضای اثر بردارد و با توجه به اینکه بیش از نیمی از رمان جزیره سرگردانی در قالب کنش‌های گفتاری است بررسی این کنش‌ها با در نظر گرفتن تفکیک جنسیت، می‌تواند بیانگر روابط پنهان در جامعه‌ای باشد که در قالب زبان زنان و مردان این اثر پدیدار شده است. با این احتمال که جنسیت‌های متفاوت، کنش‌های گفتاری خاص خود را دارند. تحلیل کنش‌های گفتاری هر جنسیت می‌تواند مرتبط با جایگاه و قدرت اجتماعی آن گروه در این متن ادبی تاریخی باشد که در این تحقیق به آن می‌پردازیم.

### پیشینه تحقیق

نظریه کنش‌گفتار نخستین بار توسط آستین مطرح شد. پس از او سرل این تئوری را گسترش داد. البته نظریات متعددی در این باره وجود دارد. لذا با در نظر داشتن موضوع کنش‌گفتار، مقاله‌های متعددی به چاپ رسیده است که هیچ کدام به طور مستقیم به بررسی کنش‌های گفتاری جزیره سرگردانی و ارتباط آن با طبقات اجتماعی نپرداخته‌اند. مقالاتی با با عنوان‌های زیر:

«بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهوری ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵ سازمان ملل» (پهلوان نژاد؛ استحبانانی، ۱۳۸۷) در این مقاله کنش‌های گفتاری سخنرانی‌های نامبرده، از زاویه گفتمان سیاسی بررسی شده است.

«خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»

(فضائلی؛ نگارش، ۱۳۹۰) این مقاله به بررسی کنش‌های گفتاری خطبه مذکور از منظر دین و سیاست پرداخته است.

«تحلیل متن‌شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا بر پایه نظریه کنش گفتار» (پهلوان نژاد؛ رجب‌زاده؛ ۱۳۸۹) آنچه در این پژوهش مورد کندوکاو قرار گرفته، ارتباط عمیق عاطفی گوینده با مخاطبان زیارتنامه است.

«کنش گفتاری آستین و فهم زبان قرآن» (ساجدی، ۱۳۸۱) این تحلیل به بررسی پیرامون گزاره‌های دینی و چند بعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین پرداخته است. درباره‌ی موضوع جنسیت نیز مقاله‌های بسیاری وجود دارد که در آن یا به کنش گفتار اصلاً توجهی نشده است و یا به شکل جنبی به این موضوع پرداخته اند: «راهبرد نظریه پردازی در جامعه‌شناسی جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده» (باقری، ۱۳۸۹)

«تاثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا: پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی زبان (هدایت، ۱۳۸۴)

«کنکاشی در پژوهش‌های زبانشناسی جنسیت» (داوری اردکانی، ۱۳۸۸)

### سوال‌های تحقیق

این پژوهش در تلاش است تا پرسش‌های زیر پاسخی تحلیل دهد:

۱. کنش‌های گفتاری زنان و مردان در رمان جزیره سرگردانی براساس نظریه سرل چگونه طبقه‌بندی می‌شوند؟
۲. چه ارتباطی میان قدرت و پایگاه اجتماعی افراد و کنش‌گفتاری آنان در جزیره سرگردانی وجود دارد؟
۳. کنش‌های گفتاری زنان و مردان چه ارتباطی با نابرابری‌های جنسیتی در این اثر دارد؟
۴. باتوجه به کنش‌های گفتاری شخصیت‌ها، زنان در این رمان با چه ویژگی‌هایی معرفی شده‌اند؟

### هدف و ضرورت تحقیق

از آنجا که جامعه‌ی معرفی شده در جزیره سرگردانی جامعه‌ای است که ساختاری رسمی دارد و پشت پرده‌ی این ساختار رسمی، ما شاهد یک ساختار غیر رسمی نیز هستیم که همان روابط اجتماعی موجود میان شخصیت‌های داستان است که ساختار غیر رسمی را تشکیل می‌دهد (شارع پور؛ ۱۳۸۸: ۱۸۰). و ما با بررسی کنش‌های گفتاری میان شخصیت‌ها است که به روابط غیر رسمی میان آنان پی می‌بریم. هدف از پژوهش

کنونی، کشف روابط نهفته در گفتارهای جزیره سرگردانی است که با طبقه‌بندی و بررسی کنش‌های گفتاری زنان و مردان میسر خواهد. علاوه بر آن هدف پژوهش حاضر بررسی تفاوت‌ها و نابرابری‌های احتمالی جنسیتی در میان کنش‌های گفتاری است.

### روش تحقیق

تحلیل یاد شده بر اساس الگوی کنش‌گفتاری سرل و جنسیت در جزیره سرگردانی انجام شده است. مطالعات کتابخانه‌ای و استناد به نظریات دانشمندان مبنای مصداق‌یابی و تحلیل در این پژوهش است.

### ۲- بحث و بررسی

نظریه کنش‌گفتار جان سرل در ادامه‌ی نظریه آستین (سرل ۱۹۷۹ صفوی ۱۳۸۳) است. آستین گفتار را ابزار مبادله اطلاعات می‌داند بر همین مبنا گروهی کنش‌گوینده را برابر با گفتن به شمار آوردند (لطفی پور: ۱۳۷۲-۱۰). سرل در نظریه کنش‌گفتار خود معتقد است که هر گفتاری یک کنش به حساب می‌آید؛ که در گام نخست بر پایه‌ی نظام تک واژه‌ها و کلمات موجود در جمله، تنظیم می‌شود و در گام دوم و عمیق‌تر، فرو رفتن در بافت جمله‌هاست که موجب تغییر نگرش به کنش‌گفتاری می‌شود. که پیامد آن استخراج رفتارها و کنش‌های انسانی از میان انبوه کنش‌های گفتاری است. سرل معتقد است که کنش‌های انسانی از طریق کنش‌های گفتاری است که بروز پیدا می‌کنند و با توجه به این نظریه، کنش‌های گفتاری موجود در رمان جزیره سرگردانی حاوی معنا و مرجعی هستند که بازتاب دهنده کنش‌های انسانی جامعه معرفی شده در این کتاب است. با بررسی دقیق کنش‌های گفتاری شخصیت‌های رمان می‌توانیم به لایه‌های عمیقی از کنش‌های انسانی در جامعه‌ی ای برسیم که رمان در آن زمان نوشته شده است و با تکیه بر این کنش‌های گفتاری روابط موجود میان شخصیت‌های اثر و بازتاب اجتماعی نگاه جنسیتی در آن را تحلیل و بررسی کنیم.

کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل به پنج دسته‌ی مهم تقسیم می‌شوند که عبارتند از: کنش‌های اظهاری، تعهدی، عاطفی، ترغیبی و اعلامی. طبقه‌بندی سرل در نگاه نخست بر اساس ظاهر گفتارها صورت می‌پذیرد اما کسانی چون براون و یول از جمله اندیشمندانی بودند که اعتقاد داشتند نه تنها باید به برداشت‌های معنایی و گفتارها توجه کرده بلکه آنها را مقدم بر شکل زبانی آن دانستند (براون؛ یول، ۱۹۸۹-۱).

گفتار مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عامل در ایجاد ارتباط میان مردم محسوب می‌شود که در نتیجه‌ی آن دو عامل مهم زبان و گفتار، ابزارهای ارتباطی به شمار می‌آیند که در خدمت ایجاد رابطه افراد با اجتماع خویش قرار می‌گیرند. با توجه به این امر نقش جامعه

شناسی زبان به عنوان الگوی رفتاری جامعه در میان مردم نمایان می‌شود (باقری؛ ۱۳۷۷: ۵۹). تجزیه و تحلیل کنش‌های گفتاری موجود در متن که توسط شخصیت‌های زن یا مرد بیان شده اند می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم نشانگر ارتباط جنسیت گویندگان با پس زمینه‌های اجتماعی باشد (میلز، ۱۹۹۴: ۱۶).

بنابراین گفتار گویندگان در جزیره سرگردانی می‌تواند بر حسب جنسیت افراد متفاوت و همچنین نشان دهنده جایگاه اجتماعی اشخاص باشد. با توجه به اینکه گیدنز معتقد است که تعاملات اجتماعی و ساختار اجتماعی متضمن یکدیگرند و بخشی از تعاملات بر پایه گفتار صورت می‌گیرد بررسی گفتارها بر اساس جنسیت نمایانگر ساختار اجتماعی است بنابراین کنش‌های گفتاری می‌تواند نشان دهنده پس زمینه اجتماعی و تاریخی باشد.

### طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری بر اساس جنسیت و جایگاه اجتماعی

داستان یک عمل اجتماعی است که در قالب گفتار ظاهر می‌شود و می‌تواند مسائل پیرامون خود را نمایان سازد (تالبوت، ۱۹۹۵: ۱۴۵). نظریه کنش گفتار از نظریه‌های مهم گفتارشناسی درون متنی است، مبحث ارتباط زبان با رفتارهای اجتماعی به تازگی مطرح شده است. جزیره سرگردانی سرشار از داستان‌هایی است که به نوعی انعکاس دهنده فضا و عملکرد اجتماعی اشخاص است. توصیف این اعمال در قالب گفتار شخصیت‌ها قرار گرفته است، صداهایی که از میان متن به عنوان کنش گفتار شخصیت‌ها شنیده می‌شود چهارچوب‌هایی را برای تفسیر و تحلیل در اختیار تحلیلگر قرار می‌دهد این دیدگاه توجه منتقدان به صاحب نظران بی‌شماری را در دنیا به خود معطوف ساخته (لوینسون: ۱۹۹۷).

دقت در جنسیت شخصیت‌های داستانی کمک می‌کند تا در تحلیل‌ها وضعیت اجتماعی، روابط افراد، محدودیت‌ها و حتی مشخصات فیزیولوژی نیز نادیده گرفته نشود. به همین منظور در تقسیم بندی کنش‌های گفتاری شخصیت‌های رمان جزیره سرگردانی، نخست کنش گفتاری زنان و مردان را در دو گروه مجزا قرار می‌دهیم و در ادامه با توجه به تئوری سرل به تقسیم بندی و بررسی آن می‌پردازیم.

در سطح یک جامعه زبانی تفاوت‌های زیادی وجود دارد که با قشر بندی‌های درونی آن جامعه مرتبط است. تالکت پارسونز معتقد است که هر جامعه دارای ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی است که اعضای خود را بر اساس آن ارزیابی می‌کند و کسانی که نیازها و ارزش‌های جامعه را برآورده می‌کنند؛ پایگاه بالاتری در آن جامعه دارند. در جزیره سرگردانی نیز این نکته مصداق دارد. هر یک از نقش آفرینان این اثر وظیفه‌ای اجتماعی بر عهده دارند که بر اساس معیارهای رمان، خود تعیین کننده جایگاه اجتماعی آنان است که به طور معمول مانع ایجاد ارتباط میان سخنگویان نشده است (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۸).

کنش‌های گفتاری در رمان جزیره سرگردانی قدرت و جایگاه اجتماعی افراد را نشان می‌دهد که به صورت متنوع در متن اثر پراکنده است. قسمتی از کنش‌های گفتاری میان افرادی صورت گرفته که گوینده از قدرت و جایگاه اجتماعی برتری نسبت به دیگران برخوردار است و گاهی این تعامل به عکس روی داده است. طبق نظریه کنش گفتار سرل، کنش‌های گفتاری زنان در جزیره سرگردانی به صورت زیر طبقه بندی می‌شود:

### کنش‌های گفتاری اظهاری

کنش گفتاری اظهاری توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده در آن سعی دارد تا عقیده خود را درباره درستی یا نادرستی مطلبی اظهار کند. این نوع کنش‌های گفتاری رویکرد گوینده را نسبت به صدق گذاری و باورهای او نشان می‌دهد و با افعال تاییدی، تدلیلی، اثباتی، تعریفی و توصیفی، تفسیری و تشریحی بیان می‌شود (سرل، ۱۹۷۹: ۱۵). قابل صدق و کذب است و اغلب در قالب جمله‌های خبری قرار می‌گیرد. گفتارهای اظهاری در جزیره سرگردانی اغلب توسط زنانی بیان شده که شخصیت‌های نقش آفرین دارند و حوادث داستانی حول محور این اشخاص می‌چرخد. شخصیت با کمک این کنش به توصیف و شرح وضعیت خود می‌پردازد یا موضوع خود یا دیگران را نسبت به یک موقعیت تعیین و اثبات می‌کند. نمونه یاد شده کنش گفتاری هستی است.

هستی به مغازه اغذیه فروشی اشاره کرد و گفتم این اغذیه فروشی نگه دارید اما می‌خواهم خودم بخرم سلیم حیرت کرد اینجا که جای زن نیست پر است از مردهای مست ناباب اما ترمز کرده بود هستی در ماشین را باز کرد و به شتاب وارد اغذیه فروشی شد و جلوی پیشخوان ایستاد (دانشور، ۱۳۷۷: ۷۳).

از دیگر مشارکت‌های اجتماعی زنان آمادگی آنان جهت مبارزه سیاسی و احقاق حقوق از دست رفته‌شان است:

«ترسیده به زمین بایر جلوی آلونک‌ها هستی صدای زن‌ها را شنید آقا زن‌ها دوان به او رسیدند و بچه‌ها دنبالشان دل هستی آشوب شد اما جا خالی نداد. زن‌ها چادر نمازها را به کمر بسته چپ اندر فیچی پشت گردنشان گره زده بودند بعضی چماق و برخی پاره آجر در دست».

زن در اجتماع از جایگاه منفی نیز برخوردار است. جایگاهی که در اثر بی‌توجهی به اصل خانواده و مفهوم زن مادر بودن شکل می‌گیرد. عشرت نماینده زنانی است که تن به عشق مردان دیگری جز همسرشان می‌سپارند و به دنبال دستیابی به عشق سرکوب شده هستند که آنان را در حد بسیار زیادی در جایگاهی نازل فرود می‌آورد. عشرت همانگونه که از نامش برمی‌آید زن فتنه‌ای است که آنچه در وهله نخست برایش حائز اهمیت است نمایش دادن



خود به دیگران است:

«طول مدت آرایش او را باید به حساب آورد مامان عشی یک پیراهن بلند سفید با نخ‌های سیمین و زرین پوشیده بود که دو طرف دامن تا زانوها چاک داشت و گرنه راه رفتن و نشستن با چنان پوشش تنگی امکان نداشت. نمرات گردنبندهش به سرسبزی هرچه سبز سرسبز در این دنیا است چشمک می‌زد. فرهاد آرایشگر بی‌همتایش موهای بلند بورش را تا توانسته بود پیچ و شکن داده بود» (دانشور، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

### کنش‌های گفتاری ترغیبی

در این نوع از انواع کنش، گوینده تلاش می‌کند تا مخاطب خود را به انجام کاری ترغیب یا تشویق کند. این کنش گفتار در اغلب مواقع با خواهش و یا تمنا همراه می‌شود. گفتارهای ترغیبی در جزیره سرگردانی با توجه به جایگاه اجتماعی گوینده‌ی آن‌ها متفاوت است.

از دیگر ویژگی‌های زن فتنه عشرت به عنوان نماینده زنانی که از جایگاه منفی برخوردار است در برابر دیدگان همسرش با فاسقش مردان خان بوسه‌های عاشقانه رد و بدل می‌کند: «مامان عشی با سرخاب و ماتیک تند و عینک سیاه و پیراهن خواب اطلس سفید به صحنه آمد و خواست با هماهنگی طبل بابا کرم برقصد که عملی نبود پس اطوار ریخت احمد و موری دنبالش کردند مردان خان پرسیدای خانم کجا میری منو با خود می‌بری موری و عشرت عین بازیگران سینمای آمریکا همدیگر را در آغوش گرفتند و بوسیدند (دانشور ۱۳۷۷).

علاوه بر جایگاه منفی زنان در جامعه گاهی جایگاه زنان توسط مردان نادیده گرفته می‌شود. نکته قابل توجه این است که زنان خود این مظلومیت و تحقیر را پذیرفتند. در جزیره سرگردانی مادر مراد از انحراف و رابطه همسرش با زن دیگری آگاه می‌شود و در پی اعتراض به همسرش اینگونه پاسخ داده می‌شود: «عاقبت به پدرت گفتم گفت همین است که هست! می‌خواهی بمان می‌خواهی برو! به سلامت. حالا اگر تو زن بگیری و مرا از این خانه ببری می‌نشینم نوهام را بزرگ می‌کنم. پدرت ملوک دختر خان دایی را برایت در نظر گرفته. مراد اشک می‌ریخت، مادر اشک‌های پسر را پاک می‌کرد. گفت: زن همین است دیگر».

موقعیت مادی و اقتصادی زن بر جایگاهش در اجتماع موثر است، حال اگر زنی متمکن باشد از ارزش و جایگاه والاتری در اجتماع برخوردار است:

«مال و منال ملوک چشم پدرت را گرفته. این مرد که یک سیب بی‌قابلیت را از من دریغ کرد سیرابی ندارد خواهرت آرش را تازه زاییده بود و اینجا بود نونو برای نوزاد بسته بودیم

پدرت با یک پاکت سیب دماوندی تو آمد. پاکت را سر طاقچه گذاشت، پا شدم یک سیب برداشتم، سیب را حتی گاز نزده بودم نشستم ننو را یله کرد و چوب نعنا را زد تخت سینم. چنان دردی در سینه‌ام پیچید من سیب را به طرفش پرت کردم گفتم: مردی که یه پفیوز خسیس سیب را برای زن تازه‌ات خریده بودی؟ بی مروت؟ نامرد کاش اسم زن تازه را نبرده بودم بلند کرد و کوفته بزنی گیسم را می‌گرفت و سرم را به دیوار می‌گفت».

همانطور که اسحاقیان می‌نویسد، سیمین دانشور، رابطه سه نسل را در سه مقطع زمانی نشان می‌دهد:

الف. مادر بزرگ خانم نوریان به اصالت‌های سنتی فکری و عاطفی دوره مصدق متعلق است.

ب. مادر که نمایانگر دوران بی‌ریشگی سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا اوایل انقلاب است که هویت خدشه‌دار شده است. این مقطع تاریخی یعنی گذر از مرحله زندگی سنتی به مرحله آشنایی با مظاهر غرب، مرحله پیچیده‌ای است که تنها بر ابعادی چند از آن اشاره شده است.

ج. هستی نسلی است که بین دو شیوه فرهنگی و دو طبقه اجتماعی و دو نوع طرز فکر متفاوت سرگردان مانده است. این دوران دوره رشد تضادهاست. تحولات اجتماعی و فرهنگی خواه ناخواه بر تفکرات نسل جوان اثر گذاشته‌اند (ر، ک اسحاقیان، ۱۳۸۵).

زنانی چون مامان عشی انسان‌های تازه به دوران رسیده را تشکیل می‌دهند که همه‌ی هم و غمشان زیبایی ظاهر و لذت‌ها و ریخت و پاش‌های بی‌مورد است. عمده فعالیت زنان این طبقه آرایش ظاهر و شرکت در جشن و مهمانی‌هاست. مامان عشی نماینده این طبقه است:

«دست مامان عشی به زنگ روی میز کنار تخت خواب رفت و گفت: این پاسیت‌های سر به هوا به سراغ لاک بنفش و ماتیک بنفش در کشوهای میز آرایشش رفت. مامان شیتاب بولینگ برسند یک ریز انگلیسی حرف زد در اتاقکی وصل به حمام سونا لخت شدند مامان عشی با وجودی که چاق بود تن و بدن متناسبی داشت و به این تنها بدن ور می‌رفت. شکل اصلی بینیش را کسی به یاد نداشت. بینی سه بار عمل شده بود تا عین بینی الیزابت تیلور از کار درآمده بود. توصیف زنان در حمام سونا و گفتگوهای زنان در آن نمایشی از زنان طبقه مرفه بی‌درد است که همه مسائل خود و خانواده را حل کرده و تنها در بند لاغر کردن بدن مانده‌اند:

«از بچگی به ما نگفتن زن باید لاغر باشد. هی خوردیم و هی چاق شدیم. چقدر باید زحمت بکشیم تا یک کیلو لاغر بشویم غذا خوردنم چاق می‌شوم بعد از شنا و سونا و ورزش

و ماساژ یک کیلو کم می‌شوند و تا یک لیوان آب می‌خورم باز وزنم می‌آید سر جایش (کشور ۱۳۷۷).

زنانی که به این طبقه تعلق ندارند در میان آنان و در هنگام معاشرت با آنان احساس خفقان می‌کنند. نویسنده این حالت را در ترسی سمبولیک از ماندن شخصیت اصلی داستان در حمام نمایش می‌دهد «رایا تو آمد و در حمام را محکم بست. هستی ناگهان ترسید که نکند در دیگر باز نشود و در آن جهنم غیر دانته بزغاله بشود» و در بخش دیگری هستی به در ور رفت و باز ترس به سراغش آمد که نکند در باز نشود.

از عبارت‌های مذکور بر می‌آید که زنان در بند ظاهر مانده اند و کاری جز توجه به ظاهر و زیبایی خود ندارند. همانطور که سلیم می‌گوید: «زن‌های مرفه ایرانی کار زیادی ندارند و نیاز به درآمد زن نیست. کلفت و نوکر هم کارهای ملال آور را انجام می‌دهند» زنان این طبقه بیش از سایر زنان از زندگی پوچ و بی‌هدفشان خسته می‌شوند و به فکر خودکشی می‌افتند و بیش از دیگر زنان به دلیل زندگی سرشار از فساد و بی بندوباری که دارند مورد خیانت همسرانشان واقع می‌شوند «پیش آخوند گفته بود آقا من به فکر خودکشی می‌افتم. آخوند گفت: معصیت کبیر است. عشرت گفت خودم هم معصیت کردم. نمی‌دانم به خانه شوهری که به من خیانت کرده برگردم یا نه».

و اما کمی به زنان طبقه پایین در کتاب جزیره سرگردانی بپردازیم. خانم دانشور در کتاب جزیره سرگردانی از وجود زنان خدمتکاری پرده برمی‌دارد که باسواد و تحصیل کرده‌اند و محصولات وارداتی از کشورهای بیگانه است که برای تامین مخارج خود و خانواده‌شان تن به خواسته‌های اربابان خود می‌سپارند: «کارت‌های اسامی را بیاورید. بیژن پرسید می‌دانستی پسیتا یعنی لقمه؟ هستی نمی‌دانست. بیژن گفت: این لقمه بدبخت لیسانسیه مامایی است و همه افراد ذکور خانه به خیالشان لقمه چرب و نرمی است. می‌خواهند بخورندش. مهمان‌های ذکور هم همینطور. پدرم لپش را نیشگون می‌گیرد حتی دیدم آشپز افغانی دست به سینه‌هایش زد. هستی گفت بیشتر خانواده‌های خارجی و بعضی از خانواده‌های مرفه ایرانی یکی از این پسیتاها دارند».

### کنش‌های گفتاری تعهدی

کنش تعهدی به تعهد و پای‌بندی گوینده برای انجام کنش و یا عملی در آینده مربوط می‌شود. در این موارد گفتار گوینده با سوگند یاد کردن و یا قول دادن و نظیر این موارد همراه است. کنش‌های گفتاری اثر اگر با دقت و موشکافی بررسی شوند سرخ‌هایی در نوع انتخاب و گزینش واژه‌ها و عبارات نحوی یافت می‌شود که نشان از نوع رابطه صاحب اثر با شخصیت‌های موجود در آن است.

«من از بحث درباره مصدق سیر نمی‌شوم و رو به هستی کرد: هستی! چندبار به احمدآباد به دیدنش رفتم؟ با این کمر درد و پادردم؟ با خود می‌گفتم: اگر با زانوها هم بروم باز به دیدنش می‌روم».

### کنش‌های گفتاری عاطفی

گوینده در این نوع از کنش‌گفتاری احساسات خود را بیان می‌کند. این کنش و گفتار با تبریک، ستودن، تحسین، تشکر و قدردانی، تعریف کردن و یا حتی ناسزا همراه است. کنش‌های گفتاری از نوع عاطفی در رمان جزیره سرگردانی بیشتر با عبارت‌های خطاب‌ی و در حالت ندایی بیان شده‌اند. گوینده کسی را مورد خطاب قرار می‌دهد و سپس به بیان گفتار خود می‌پردازد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از کنش‌های گفتاری ابتدا با واکنش‌های عاطفی همراه با احترام آغاز می‌شود و در ادامه‌ی کلام به کنش‌های گفتاری دیگری از جمله کنش‌گفتاری ترغیبی می‌انجامد.

شخصیت اصلی زن در این رمان زن روشنفکری است که درگیر مبارزات سیاسی می‌شود. همسر آینده‌اش را خودش برمی‌گزیند و حتی اگر مجبور شود از پسر مورد علاقه‌اش خواستگاری می‌کند. به هیچ وجه فرشته خانگی نیست و خودش را وقف خواسته‌های بی‌چون و چرای مرد نمی‌کند. می‌خواهد راه خودش را پیدا کند ولی سرگردان است: «تازه از تو که خواستگاری نکرده. اگر نکرد خودم قدم پیش می‌گذارم. مامان عشی پرسید آنقدر خاطر خواهش هستی؟ هستی گفت او تنها مردی است که می‌دانم مرا استثمار نمی‌کند. به من امکان می‌دهد چه نوع زنی که می‌خواهم بشوم».

روشنفکر خود خانم سیمین دانشور است. نویسنده‌ای که در رمانش همان نقش سیمین دانشور استاد دانشگاه به دکتری زبان و ادبیات فارسی را دارد و سر کلاس اندیشه‌های سیاسی خود را بی‌محبا اظهار می‌کند و با دانشجویانش در خانه‌اش به گفتگو درباره مسائل گوناگون می‌پردازد و برای مدت کوتاهی از زن فاحشه‌ای در خانه‌اش نگهداری می‌کند.

### کنش‌های گفتاری اعلامی

کنش اعلامی شامل کنش‌های گفتاری‌ای است که به محض بیان آنها، در جهان بیرون تغییرات واقعی ایجاد می‌شود. از آنجا که مؤثرترین این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است، می‌توان آنها را «کنش‌های نهادینه» نامید. در چنین کنشی گوینده با بیان جمله، در جهان خارج تغییری ایجاد می‌کند؛ یعنی بین محتوای گزاره‌ای جمله و جهان خارج انطباق ایجاد می‌کند: «عینک خودش را از جیب لباس خانه‌اش درآورد و به هستی داد: عینک مرا بزن! اما لطفاً در کار نقاشیت با عینک خدثت ببین! هستی به فکر فرو

می‌رود».

به هستی گفت: برو آشپزخانه برای خودت شیر و قهوه درست کن یا چای. هستی پرسید: برای شما هم درست کنم؟ گفت نه متشکرم و هستی رفت.»

### ویژگی‌های شخصیت‌های زن رمان

#### مادی گرایی در برخی از زنان طبقه‌ی مرفه

هستی مادرش را دید که با ربدو شامبر پشیمی آبی سیر کنار در بسته اتاق نشیمن ایستاده است. گوشش را به اتاق چسبانده مامانش یا آهسته گفت که خدا کند به دل احمد برات شود و بابت نفعش یک تکه جواهر برای من بردارد. حتی به زمردم قانعم. در بخش دیگر زنان زندانبان هم از این ویژگی برخوردارند. در سرسرای زندان زن چاقی هستی را تحویل گرفت. عینک و ساعت مچی را که از دستش در می‌آورد النگوهای زن جلنگ جلنگ می‌کرد. و در صحنه دیگر باز تصویر زن زندانبان دیگری را دید که نه تنها النگوهای طلا بلکه گوشواره و سینه ریز طلا هم داشت. زن سبزه بود اما سرش را طلایی رنگ کرده بود.»

#### زنان در ضمن گفتگوهایشان نسبت به یکدیگر احساس خوشایندی ندارند

«دوباره و این بار خود سیمین گوشه‌ی را برمی‌دارد مهر ماه می‌گوید: زنیکی‌ی لچاره چرا دست از سر بچه‌های مردم بر نمی‌داری؟ شما اصلاً کی هستید؟ من مادر پسری که تو عفریته گمراهش کردی انگار توران خانم از قحطی درآمدی بود. توران جان پرسید بود خودتان پخته‌اید. گفت: نه من مطلقاً آشپزی بلد نیستم زنکه خرس گنده چرا نباید آشپزی بلد باشه خورده و خوابیده.»

#### فالگوش ایستادن

زنان در جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان هم گوش می‌ایستند تا حس کنجکاوی خود را ارضا کنند: «مادرش را دید که با رو به دوشامبر پشیمی کنار در بسته اتاق نشیمن ایستاده است گوشش را به در اتاق چسبانده هستی را که دید نگهبانی‌اش را ترک کرد و به سمت او آمد.

همه زنان همان گونه که هستی می‌گوید، فالگوش می‌ایستند: «هستی خسته شده بود از خودش بازخواست میکرد: چرا از سلیم پرسیده بود دستشویی کجاست. در حالی که نیم ساعت پیش همان جا بود. مادر بزرگ گوش می‌ایستاد مامان عشی گوش می‌ایستاد و حالا هستی؟» (دانشور، ۱۶۱: ۱۳۷۷).

و در بخشی دیگر: «هستی که مثل همیشه در ناهارخوری ایستاده بود، شنیده بود که تیم آنها بکتاش و مرتضی و فرزانه است.» (همان، ص ۲۲۸).

دانشور علت چنین رفتاری از طرف زنان را مردسالاری حاکم بر زندگی زنان می‌داند: «چرا به قول لندهور پا بر سر چنان عادت زشتی نمی‌گذاشت روی در روکش دار توالت نشسته دل زده می‌اندیشد: «از دوران مردسالاری بیشتر زنها گوش ایستاده اند» (همان، ص ۱۶۱).

### دروغ زنی

زنان در داستانهای دانشور، از این صفت بری نیستند: «دروغ‌های مامان عشی برای شوهر دادن هستی صدای مادرش را میشنید ۲۲ ساله است. می‌اندیشید دروغ بگم (دانشور، ۱۳۷۷: ۱۸).

و دروغ هستی: «سلیم گفت دفترم توی جیب کتم بود هستی باشد و دفترچه سلیم را از کنار ترنج برداشت و به دستش داد: پرسید خواندیش؟ خانم نوریان و هستی دروغ گفتند» (همان، ص ۷۷).

و دروغ گویی زنان به مردان: «هستی در دل می‌خندید. با این فکر که مردان چه آسان دروغ‌های خاص را باور میکنند. دروغ‌هایی که برتریشان را بنماید و و غرورشان را ارضا بکند» (همان، ص ۹۰).

### تفاخر

یکی از سرگرمی‌های زنان به رخ کشیدن ظاهر خود به دیگر زنان است. به همین دلیل زنان برای رسیدن به این هدف از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند: «سر جایش که نشست لبخندی زد. دیشب نمی‌دانی چه آتشی سوزاندم. در مهمانی دکتر بهاری باباکرم رقصیدم و تمام زن‌های امریکایی را سوسک کردم. دکتر بهاری گفت دست و پا مریزاد (همان ص ۹). هستی در اداره روزنامه‌های شب گذشته را ورق میزد و به نقش مجهول الهویه‌ها خیره نگاه می‌کردم» (همان ص ۲۷۲).

### توجه به ظاهر و آراستگی

زنان در این رمان برخلاف رمان سو و شون وقت زیادی را صرف آرایش و پوست خود میکنند. زنان مرفه توجه زیادی به هماهنگی رنگ لباس‌ها و آرایش دست و صورت خود دارند: «مادرش گفته بود لباس عیدش را تن کند. عصر دیروز به ماروسا خیاط روس مادرش سر زده بود و کت و دامن عنابی‌اش حاضر نبود. گفته بود سلمانی برود و طوری بخواهد که آرایش موهایش به هم نخورد» (دانشور، ۱۳۷۷، ۸).

و در جایی دیگر مامان عشی موهای زردش را بالای سرش جمع کرد و سنجاق زد. هستی می‌دانست موهایش را رنگ می‌کند. گاه با جوشانده بابونه و گاه با کوبیده سیاه دانه» (همان، ص ۱۵).

هستی به مادرش نگاه کرد که داشت به صورتش پودر می‌زد بعد ماتیک لبه‌ایش را روی هم فشار داد با انگشت ماتیک را روی لبه‌ایش یکنواخت کرد» (همان ص ۲۵۵).

### شاغل بودن

زنان شاغل بودن را وسیله‌ای جهت دستیابی اقتصادی و مالی میدانند و آن را یکی از راه‌های گریز از اسارت و استثمار مردانه به شمار می‌آورند: «بیشتر مردان ایرانی دست کم صد به هفتادشان آمادگی تحمل اقتصادی زنان را ندارند. یعنی دلیل را که زن به دنبال استقلال مالی رفته تحمل نمی‌کنند. یکی از دلایل مخالفت مردان با کار زنان فرسوده شدن زود هنگام زنان است سلیم میگوید من نمی‌خواهم زنم هم در خانه کار کند هم در اداره هم بچه داری کند هم شوهر داری کند فرسوده میشود» (۱۳۷۷ ص ۴۱). اما زنان شغل را یکی از عوامل تساوی حقوق زن و مرد و جنسیت به شمار می‌آورند: «سلیم برای زن هنرمند مسئله زن بودن مطرح نیست. هم زن‌ها و هم مرد‌ها قبولش دارند و بنابراین با مرد مساوی است و نقش زندگی خود را با غرور بر عهده می‌گیرد اما در انتخاب شغل برای زنان تورانجان معلمی را انتخاب میکند و هستی هم ناخودآگاه عاشق معلمی می‌شود. تورانجان می‌گفت معلمی برای زن از هر کاری معقول تر است. سر کلاس تو بنده هیچ کسی نیستی تنها یک عده طفل معصوم طرفی اگر دلسوز و مهربان باشی حتی به قول سعدی جمعه‌ها میتوانی به مکتب بکشانی (۱۳۷ ص ۷۲).

اما در بحث کار بیرون از خانه زنان از نظر مردان ناخوشایند است و دلایل این امر از طرف مردان مواردی است که به آن اشاره می‌شود:

سلیم از هستی می‌پرسد شما می‌خواهی بعد از ازدواج به کارتان ادامه بدهید، البته چرا برای استقلال مالی خودتان که بهتر می‌دانید نتیجه سلطه اقتصادی مرد است شمار هر چه بیشتر زن است (۱۳۷۷-۴۱).

یکی از مهم‌ترین مشاغلی که زنان عهده دار آن هستند مدیریت است: «شکوهی که وقتی بازنشسته شد دخترها اعتصاب کردند و شعار می‌دادند زنده باد خانم شکوهی! میخواست بریزند توی خیابانها مدیر تازه را راه نمی‌دادند تا خانم شکوهی خودش نصیحت‌شان کرد» (۱۳۷۷-۳۱۹).

بعضی از زنان نیز در ادارت پی مشاغل دیگر هستند: هستی در خانه را که بست پشیمان شد و خواست به منشی‌اش فخری تلفن کند که آن روز اداره نمی‌آید (۱۳۷۷-۴۹). در جایی دیگر از رمان می‌خوانیم: موری دو تا منشی داشت که هر کدام مظهر زیبایی بودند. یک ماشین تحریر لاتین و یک تلفن قرمز روی میز جلوی‌شان بود و یک دستگاه گیرنده و یک ماشین تحریر فارسی از بیژن پرسید که وقت ملاقات گرفته اند (همان ص ۲۴۵).

### رفتار زنان نسبت به یکدیگر

رفتار کینه ورزانه و مغرضانه در رفتارهای فرد با فرد دیده می‌شود. مثلاً رفتار مغرضانه عروس و مادرشوهر: توران خندید و گفت نمی‌دانم عروس سابق با کفش‌های پاشنه بلند چطور سوار اتوبوس میشد یا وانت بار یا تاکسی با آن فیس (دانشور ۱۳۷۷-۴۴).

این رفتار مغرضانه هم نسبت به عروس وجود دارد و هم نسبت به سیمین. رفتار تورانجان نسبت به سیمین دوباره و این بار خود سیمین گوشه را برمی‌دارد. مهرماه می‌گوید زنیکه لجاره چرا دست از سر بچه‌های مردم برنمیداری شما اصلاً که هستی. من مادر پسری هستم که تو عفریته گمراهش کردی (دانشور-۱۳۷۷، ۱۰۸) و رفتار سرشار از کینه‌ی دو زن نسبت به هم، تورانجان و عشرت مهر ماه می‌گوید زنیکه لجاره بی چشم و رو حتی میزنی زیر شهادت بخت اولت چه شهادتی اولاً زنیکه لجاره خودت و هفت جد ناسیدت است..... و یک چادر نماز برای مادر گور به گورش. مهر ماه می‌گوید: چرا گور به گوری؟ توران خانم هنوز که نمرده. کوری چشم تو صد سال عمر کند. گور به گور خودتی (همان-۱۱۱).

نمونه‌های رفتارهای غیر صمیمی، رفتار صمیمانه و فحشای زنان و بزرگداشت زنان در این آثار به خوبی نمایان است. گاهی زنانگی زن توسط مردان نادیده انگاشته میشود و به راحتی مورد سوء استفاده مردان قرار می‌گیرد. در حقیقت سنت‌ها و قوانین در زندگی زنان حاکم است که پرونده ستم دیدگی آنان را کامل می‌کند: حاضرید با مادرم ازدواج بکنید. چه حرفها میزنی من اگر از زنی خوشم بیاید لزومی ندارد با او ازدواج کنم من از خیلی زنها خوشم می‌آید پس به قول تو حرمسرا تشکیل دهم (دانشور، ۲۴۴:۱۳۷۷).

انتظارات زنان در جزیره سرگردانی انتظار زنان برای مردی است تا آنان را از شرایط بحرانی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند برهاند و گاهی انتظار چیزی جز چشم به راه بودن مرد نیست. مادر بزرگ می‌گفت در دهلیز انتظار چشم به راه قطار مرد ایستاده‌ام حالا دم و بازدمش که قلب و سینه‌اش می‌شکافتند و می‌خراشیدند به صدای قطاری می‌ماند که هنوز از راه نرسیده به راه می‌افتاد (دانشور ۱۳۷۷: ۶).

زنان عدم حضور مرد را در خانواده بلای خارج از تحمل می‌دانند. بلاهایی که سر من آمده کافی است پاشیدگی خانواده هم که ممد مصیبت‌هایم شده گیرم گاه گذاری تلفن کنم از برادرم بی خبرم حالا مراد می‌خواهد بگریزد تا من در بلا نیفتم و این بلایی خارج از تحمل من (همان، ۳۰۴).

### ۳- نتیجه‌گیری

ادبیات هر سرزمین آینه‌ای است که می‌توان در آن بازتاب روح آن کشور را مشاهده



کرد. داستان‌های دانشور نیز به عنوان بخشی از ادبیات معاصر ایران واقعیت‌ها را منعکس می‌کند. موضوعاتی چون ازدواج، ایمان، بیماری و مرگ را در برمی‌گیرد. سیمین دانشور از همان نخستین داستان کوتاه خود با نام اشک‌ها در سال ۱۳۲۱ تا آخرین اثرش با عنوان ساریان سرگردان ۱۳۸۰ درگیر عوالم زن‌گرایانه بوده است. آنچه ذهن نویسنده را در این سالها به خود مشغول کرده مقولاتی کلی چون کام‌خواهی زن، وظیفه مادری، مهر او، سرکوب عواطف و احساسات عاشقانه، مظلومیت زن، پاسداری از حریم خانواده از یک سو و خودکامگی و بی‌وفایی و شهوترانی مردان از دیگر روی بوده است. در جمع بندی نهایی می‌توان گفت برخورد وی با این مفاهیم برخوردی مطلق و ثابت بوده است. دانشور در داستان‌های خود با محور قراردادن زن به عنوان شخصیت اصلی از مسائل متفاوتی مانند خرافاتی یا متجدد بودن، وفاداری یا خیانت، کلفتی یا هرزگی، بچه دار نشدن، در اشتیاق همسر بودن و هوو داشتن و غیره سخن می‌گوید. زنان داستان‌های دانشور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول زنان متجدد هستند که زنان متجدد آثار او کلی نیستند و عاری از ویژگی‌های کلی‌اند. آنان گاه مثبت و گاه منفی ترسیم شده‌اند. دسته دوم زنان عامی هستند که دانشور بیش از زن متجدد، زن عامی ایرانی و مشکلات وی را در داستان‌های خود مورد توجه قرار داده است. جزیره سرگردانی وضعیت زنان جامعه ایران است که همواره فراموش شده‌اند و آن‌ها که خودی نشان داده‌اند نیز سرگردان هستند و هرگز نتوانسته‌اند به هویت زنانه خود دست یابند. همه زنان جزیره سرگردانی تنها حیفا شده‌اند، از هستی گرفته تا مادران سلیم و مراد، همسران شیخ، لعل بانو همسر سفیر انگلیسی یا ربکیایی که از روسپی خانه رانده شده. مردان عشق ستیز و خودخواه و تنوع طلب‌اند و زنان پایمال شده در خانواده‌های سنتی. زنان در نبود همسرانشان حق ابراز نظر و یا تصمیم‌گیری در امور خانواده را نداشته‌اند. زن خانواده جانشینی برای پدر و به نام کسی که در خانواده جای او تصمیم می‌گیرند محسوب نمی‌شود. به گونه‌ای که هر گاه پدر در خانه حضور ندارد فرزندان از مادر حرف شنوی ندارند و حتی لازم نمی‌بینند اوامر مادر را اجرا کنند و این وظیفه برعهده فرزندان ارشد خانواده که آن هم مرد است قرار می‌گیرد. زنان دارای نقش انفعالی و کم‌رنگ هستند و جامعه از زنان روشنفکر و باسواد برخوردار نیست. البته زنان در جزیره سرگردانی نسبت به زنان در دیگر آثار دانشور نظیر سو و شون از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. زندگی آنان غیر از فعالیت‌های خانه داری و بچه داری و برآوردن نیازهای شخصی یک زندگی کاملاً خالی است. این امر در رمان جزیره سرگردانی کمی رنگ می‌بازد و زنان در فعالیت‌های علمی و اجتماعی مشارکت می‌جویند و در اجتماع حضور فعال دارند.

### منابع

- ۱- آبادیان، رسول (۱۳۸۹)، «نگاهی به رمان دو پرده‌ی فصل اثر فرشته مولوی»، کتاب هفته، شماره ۲۲۵، ص ۲۲۲-۲۴۲.
- ۲- اسحاقیان، جواد (۱۳۸۵)، *درنگی بر سرگردانی شهرزاد پسامدرن*، تهران، گل آذین، جلد اول.
- ۳- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، *مبانی فلسفی فمنیست*، وزارت علوم دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲، تهران.
- ۴- بهمن بهرام و معصومه باقری (۱۳۹۰)، «گذر فمنیستی از جزیره سرگردانی به سوی فانوس دریایی»، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره ۱۷، شماره ۲، ص ۷ تا ۴۷.
- ۵- حسن لی کاووس و قاسم سالاری (۱۳۸۶)، «نشانه‌های فمنیست در آثار سیمین دانشور، فصلنامه مطالعات اجتماعی، روانشناختی زنان»، *مطالعات زنان سابق، دانشگاه الزهراء، پژوهشکده زنان علمی-پژوهشی*، سال ۲۱، شماره ۱-۱۳.
- ۶- دانشور سیمین (۱۳۷۲)، *جزیره سرگردانی*، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
- ۷- سرل، جان (۱۳۹۲)، *درآمدی کوتاه به ذهن*، محد یوسفی، نوبت پنجم، تهران، نشر نی.
- ۸- گوشه گیر، عزت السادات (۱۳۷۴)، «نگاهی به جزیره سرگردانی»، *مجله ایران‌شناسی*، سال هفتم، زمستان ۷۴، شماره ۲۸.
- ۹- قبادی حسین علی (۱۳۸۸)، *آیین آینه سی تحول نماد پردازی‌ها در فرهنگ ایرانی و ادبیات پارسی*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دفتر نشر آثار علمی.
- ۱۰- قنادان و همکاران (۱۳۷۵)، *مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی*، تهران، نشر آوای نور.